

اشتراکات سبک زندگی اسلامی و غربی با محوریت خانواده

علی جمعه قربانی^۱

چکیده

سبک زندگی اسلامی و غربی به عنوان دو رویکرد متفاوت در زندگی فردی و اجتماعی، تفاوت‌های چشمگیری در مؤلفه‌های مختلف دارند. این تفاوت‌ها به‌ویژه در زمینه‌های ازدواج، خانواده، آرامش روان و ارزش‌های اخلاقی مشهود است. در سبک زندگی اسلامی، ازدواج به عنوان یک نهاد مقدس با هدف رشد معنوی و اجتماعی افراد مطرح است، در حالی که در سبک زندگی غربی، این نهاد بیشتر به عنوان یک قرارداد اجتماعی با تأکید بر آزادی فردی و تمایلات شخصی دیده می‌شود. خانواده در اسلام، محیطی برای تربیت نسل‌های آینده و انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی است، اما در جوامع غربی، ساختار خانواده با تغییرات متعددی روبه‌رو بوده و گاهی از اهداف اصلی خود فاصله گرفته است. آرامش روان در سبک زندگی اسلامی با تکیه بر ایمان، تقوا و ارتباط با خداوند تأمین می‌شود، در حالی که در سبک زندگی غربی، این آرامش بیشتر از طریق دستاوردهای مادی و فردی جستجو می‌شود. ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی و انسانی استوار است، در حالی که در سبک زندگی غربی، این ارزش‌ها بیشتر بر اساس معیارهای فردی و اجتماعی تعریف می‌شوند.

کلمات کلیدی:

کلیدواژه: سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، ازدواج، خانواده، آرامش روان.

مقدمه

در دنیای امروز که تنوع فرهنگی و گوناگونی سبک‌های زندگی بیش‌ازپیش مشهود است، مقایسه و تحلیل اشتراکات و تفاوت‌های میان سبک زندگی اسلامی و غربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. خانواده، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هر جامعه، نقشی بنیادین در شکل‌گیری سبک زندگی افراد ایفا می‌کند.

یکی از تفاوت‌های اساسی میان این دو سبک زندگی، در نوع نگرش به تعاملات اجتماعی نمود می‌یابد. در فرهنگ اسلامی، خانواده به‌عنوان یک واحد محوری و اساسی در جامعه تلقی می‌شود و ارزش‌های خانوادگی در صدر توجه قرار دارند؛ حال آن‌که در فرهنگ غربی، تأکید بیشتری بر استقلال فردی و انتخاب‌های شخصی وجود دارد و خانواده ممکن است جایگاه کمرنگ‌تری در ساختار اجتماعی داشته باشد.

باین‌حال، اشتراکات مهمی نیز میان این دو سبک زندگی به چشم می‌خورد. ارزش‌های انسانی همچون عدالت، محبت و همدلی در هر دو فرهنگ مورد تأکید قرار گرفته‌اند و خانواده، بستر اصلی پرورش و تقویت این ارزش‌ها به شمار می‌رود. نقش خانواده در هویت‌بخشی، آموزش و تربیت افراد در هر دو سبک زندگی، حائز اهمیت است؛ به‌گونه‌ای که باورها، ارزش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی تا حد زیادی تحت تأثیر ساختار خانوادگی شکل می‌گیرند.

با توجه به اهمیت این نهاد در سبک‌های زندگی اسلامی و غربی، می‌توان گفت تقویت و حفظ جایگاه خانواده می‌تواند به درک متقابل فرهنگی، تعامل مؤثر میان جوامع و ارتقای کیفیت زندگی افراد کمک کند. این مقاله در پی آن است تا اشتراکات و تفاوت‌های میان سبک زندگی اسلامی و غربی را با تمرکز بر نقش خانواده مورد بررسی قرار دهد.

الف) ضرورت پژوهش

در دنیای امروز، تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جوامع مختلف باعث ایجاد تفاوت‌های اساسی در شیوه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی شده است. در این میان، تحلیل مقایسه‌ای سبک زندگی اسلامی و غربی، به‌ویژه در زمینه خانواده، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مفید در شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای تقویت بنیان‌های خانواده در جوامع

اسلامی و غیر اسلامی مطرح شود. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماعی نقش بی بدیلی در استحکام و رشد جوامع ایفا می کند و آسیب های اجتماعی که از فروپاشی خانواده ها ناشی می شود، تهدیدی جدی برای سلامت روانی و اجتماعی افراد است. با توجه به بحران هایی که در خانواده های غربی و به ویژه در جوامع غربی در سال های اخیر مشاهده می شود، ضروری است که نگاه اسلام به عنوان یک الگوی سالم و انسانی برای خانواده ها بررسی و تبیین شود تا بتوان از آموزه های آن برای بهبود وضعیت خانواده در دنیای معاصر استفاده کرد.

ب) هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و مقایسه تفاوت های کلیدی میان سبک زندگی اسلامی و غربی در خصوص خانواده و ارائه راهکارهایی بر اساس آموزه های اسلام برای تقویت بنیان خانواده ها و کاهش مشکلات اجتماعی است. به طور خاص، هدف این پژوهش عبارت است از:

شناسایی و مقایسه اصول و مفاهیم اصلی در سبک زندگی اسلامی و غربی در خصوص ازدواج و خانواده. بررسی جایگاه زن در خانواده از منظر اسلام و مقایسه آن با نگاه غربی. تحلیل تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و روانی سبک زندگی اسلامی و غربی بر خانواده ها. ارائه راهکارهایی برای تقویت بنیان خانواده در جوامع اسلامی با تأکید بر آموزه های اسلامی.

ج) شیوه پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیلی-مقایسه ای است که در آن به تحلیل و مقایسه مستندات و منابع معتبر اسلامی و غربی پرداخته می شود. در این راستا، ابتدا با استفاده از متون دینی معتبر، نظرات علمای اسلام و آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) در خصوص خانواده و اصول آن استخراج خواهد شد. سپس، مقایسه ای با دیدگاه ها و نظریات موجود در جامعه غربی انجام خواهد گرفت. برای این کار، از منابع علمی و پژوهش های موجود در زمینه خانواده شناسی، روانشناسی اجتماعی و فرهنگ شناسی استفاده خواهد شد.

در نهایت، از روش های توصیفی و تحلیلی برای استخراج نتایج و تحلیل داده ها بهره گرفته خواهد شد. این پژوهش به دنبال دستیابی به یک درک جامع از تفاوت ها و شباهت های موجود

در دو سبک زندگی و ارائه پیشنهاد‌های کاربردی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای بهبود وضعیت خانواده‌ها در جوامع مختلف است.

(د) پیشینه تحقیق

سبک زندگی به‌عنوان یک مفهوم گسترده، در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه و دین موردتوجه و بررسی قرار گرفته است. در این راستا، بسیاری از پژوهشگران به تحلیل تفاوت‌های سبک زندگی در جوامع مختلف پرداخته‌اند، به‌ویژه تفاوت‌های موجود بین سبک زندگی اسلامی و غربی.

در زمینه سبک زندگی اسلامی، بسیاری از پژوهشگران به تحلیل مبانی دینی و فلسفی آن پرداخته‌اند. مطالعاتی که در این حوزه انجام شده‌اند، تأکید بر اصول اخلاقی و دینی دارند که در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نقش محوری ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال، بررسی‌های بیگی (۱۳۸۹) و نیکزاد (۱۳۷۵) به اهمیت تربیت خانوادگی و تأثیر آن در رشد و تکامل جامعه اسلامی اشاره دارند. همچنین، حیدری (۱۳۸۵) در مطالعات خود به ارتباط مستقیم دین‌داری و رضایتمندی خانوادگی پرداخته و نشان داده است که از منظر اسلام، خانواده اساس و رکن اصلی جامعه سالم است.

در مقابل، پژوهش‌های مربوط به سبک زندگی غربی، بر مبنای اندیشه‌های اومانیستی و لیبرالیستی قرار دارند که فردگرایی و آزادی‌های فردی را در اولویت قرار می‌دهند. تحقیقات دیویس (۱۳۷۸) و فرجاد (۱۳۷۸) نشان می‌دهند که در جوامع غربی، انسان به‌عنوان موجودی مستقل از خدا و طبیعت، معیار اصلی سنجش ارزش‌ها و هنجارها قرار گرفته است. همچنین، اعزازی (۱۳۸۷) به تحلیل تغییرات اخلاقی در جوامع غربی پرداخته و از فروپاشی خانواده، گسترش مصرف‌گرایی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های معنوی سخن گفته است.

در نتیجه، پیشینه تحقیق در این حوزه نشان‌دهنده تأکید متفاوت جوامع اسلامی و غربی بر مفاهیم و اصول زندگی است. در جوامع اسلامی، تأکید بر ارزش‌های معنوی، اخلاقی و خانواده است، در حالی که در جوامع غربی، فردگرایی، آزادی‌های فردی و مادی‌گرایی به‌عنوان اولویت‌های اصلی مطرح می‌شوند.

۱. مفهوم خانواده در سبک زندگی

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی، خشت بنای جامعه به شمار می آید. از دیدگاه قرآن، خانواده جایگاهی اساسی و کلیدی دارد و هسته‌ی مرکزی شکل‌گیری جامعه را تشکیل می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۵۸).

الف) خانواده به عنوان ستون اصلی هر جامعه

جایگاه خانواده در ساختار جامعه همچون اتم در پیکره‌ی اجسام طبیعی است. اگر خانواده‌ای سالم و صالح باشد، می‌توان به تحقق جامعه‌ای سالم، متعالی، صالح و استوار امید بست (همان: ۶۵). به بیان دیگر، سلامت جامعه و سلامت خانواده ارتباطی دوسویه دارند و هر یک بر دیگری تأثیرگذار است.

ب) بررسی نقش خانواده در فرهنگ اسلامی

اسلام، به عنوان دینی جامع و انسان‌ساز، برای خانواده جایگاه ویژه‌ای قائل است. در آیه ۲۱ سوره روم، خداوند خلقت زن و مرد را برای یکدیگر دانسته و آن‌ها را مایه‌ی آرامش، مودت و رحمت معرفی می‌کند. تجربه‌ی زندگی خانوادگی، یکی از اساسی‌ترین و ارزشمندترین ابعاد زندگی انسان‌هاست. انسان در خانواده چشم به جهان می‌گشاید، دوران کودکی و نوجوانی خود را در آن سپری می‌کند و در بستر خانواده با هستی آشنا می‌شود.

خانواده نهادی است که دست‌کم از یک زوج شرعی و رسمی تشکیل شده و مسئولیت‌ها و وظایف میان اعضای آن تقسیم می‌شود. زن و مرد با هم‌فکری، همکاری و همدلی، وظایف خود را ایفا می‌کنند. در این چارچوب، آگاهی از نقش‌ها و آموزش‌های مرتبط با آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. سبک زندگی که نمود بیرونی رفتار انسان است، در نخستین کانون تربیت یعنی خانواده شکل می‌گیرد؛ بنابراین، هرگونه بررسی در باب سبک زندگی، باید از خانواده آغاز شود.

گرچه زندگی حقیقی از منظر قرآن در جهان آخرت تحقق می‌یابد، اما سبک زندگی انسان در این جهان گذرا، تأثیر مستقیمی بر سرنوشت اخروی او دارد. خداوند در قرآن سوره اسرا آیه ۷۲ می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»؛ کسی که در

این دنیا کور باشد، در آخرت نیز کور و گمراه‌تر خواهد بود. از این‌رو، ارائه‌ی سبک زندگی صحیح و الهی، یکی از مهم‌ترین اهداف ادیان الهی، به‌ویژه اسلام است. سبک زندگی اسلامی از جمله موضوعاتی است که توجه مکاتب الهی و بشری را به خود جلب کرده است. در دنیای امروز که انسان در میان امواج متلاطم مدرنیته، فناوری و مکاتب متنوع فکری سرگردان است، نیاز به سبک زندگی سالم و فطری بیش‌ازپیش احساس می‌شود. سلامتی، از جمله ارزش‌های بنیادین سبک زندگی اسلامی است. سلامت جسم، روان و حفظ کرامت انسانی، از منظر شریعت واجب شمرده شده است. مؤمنان، شایسته‌ترین افراد برای تحقق سبک زندگی سالم‌اند. روایات اسلامی، سلامت را نعمتی الهی، سرمایه‌ی زندگی و موضوعی شایسته‌ی درخواست از پروردگار معرفی کرده‌اند. انسان در طول زندگی خود همواره در جستجوی پاسخ‌هایی پیرامون نحوه‌ی زیستن، رسیدن به سعادت، ارتقای کیفیت زندگی و دستیابی به رضایتمندی است. یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های این جستجو، خانواده و نقش افراد در آن است. در سال‌های اخیر، مفاهیم «سبک زندگی» و «کیفیت زندگی» مورد توجه جدی متخصصان روان‌شناسی، علوم تربیتی و اجتماعی قرار گرفته است (چنی، ۱۹۹۶؛ رحیمی و خیر، ۱۳۸۸؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

چنان‌که بدن انسان از سلول‌هایی تشکیل شده و بیماری آن‌ها به معنای بیماری کل بدن است، جامعه نیز از سلول‌هایی به نام خانواده شکل می‌گیرد. هر خانواده یکی از سلول‌های پیکره‌ی اجتماع است؛ زمانی که این سلول‌ها سالم باشند، جامعه نیز سالم خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۰).

یکی از مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی، هدف زندگی است. چنان‌که بیان شده: «هر هدفی که ما برای زندگی تعیین کنیم، به‌طور طبیعی سبک زندگی متناسب با آن نیز پیشنهاد می‌شود» (همان: ۲۸). بر همین اساس در متون دینی آمده است: «کَمَا تَعِيشُونَ مَمُوتُونَ» یعنی انسان همان‌گونه که زندگی می‌کند، همان‌گونه نیز خواهد مُرد. سبک زندگی دنیوی، بازتابی از رفتار فرد و تعیین‌کننده‌ی سرنوشت اخروی اوست: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (نجم/۳۹-۴۰). پیامبر اکرم نیز فرموده‌اند: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» دنیا مزرعه‌ی

آخرت است. از این رو، انسان‌های آگاه می‌کوشند زندگی راستین را بشناسند و بر پایه‌ی اصول و مبانی آن، مسیر حیات خود را ترسیم کنند.

ج) بررسی نقش خانواده در فرهنگ غربی

سبک زندگی مدرن، به‌ویژه آنچه از نیمه‌ی دوم قرن بیستم و به‌طور خاص از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی به این سو رواج یافته، دارای مؤلفه‌هایی بنیادین است که تأثیر عمیقی بر نهاد خانواده گذاشته است.

نخستین ویژگی این سبک، فردگرایی افراطی است. در جهان فردمحور مدرن، انسان به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که ارتباطات اجتماعی و تعلقات خانوادگی را برنمی‌تابد. در این نگاه، اقتصاد و سرمایه، به اصلی‌ترین دغدغه‌ی انسانی تبدیل می‌شوند و ارزش انسان در نسبت با پول سنجیده می‌شود.

ویژگی دوم، خانواده‌گریزی یا خانواده ستیزی است. فردگرایی افراطی، زمینه را برای دور شدن انسان از خانواده‌ی گسترده و سپس خانواده‌ی هسته‌ای فراهم می‌کند. در نهایت، فرد به سمت مجرد مطلق سوق می‌یابد. آمارهای موجود در کشورهای غربی گواه این روند رو به افزایش‌اند و متأسفانه نشانه‌های این گرایش، کم‌وبیش در جوامع اسلامی نیز مشاهده می‌شود.

سومین مؤلفه‌ی سبک زندگی مدرن، مصرف‌گرایی شدید است. در این نوع زندگی، فرهنگ مصرف جایگزین اصل امساک و قناعت شده است و مصرف‌گرایی به یکی از پایه‌های سبک زندگی مدرن بدل گشته است.

چهارمین ویژگی، سرعت و شتاب‌زدگی است. این سرعت، نوعی اضطراب زمانی را پدید می‌آورد که روابط انسانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اضطراب ناشی از زمان، حالتی مکانیکی و بی‌روح در تعاملات انسانی ایجاد کرده است. تغییر الگوهای غذایی نیز یکی دیگر از پیامدهای این سبک زندگی است. مؤلفه‌هایی چون پول، اشتغال، اضطراب زمان و خانواده‌گریزی، منجر به گرایش انسان مدرن به غذاهای آماده، فست‌فودها و خوراکی‌های بیرونی شده‌اند. شرکت‌های تجاری بزرگ با بهره‌گیری از این فضا، الگوهای غذایی خاصی را تحمیل کرده‌اند.

ویژگی پنجم، تنوع طلبی شدید است. در این نگاه، انسان به عنوان موجودی تنها و مجزا تعریف می شود؛ موجودی که نه در بستر خانواده و اجتماع، بلکه به صورت واحدی مستقل (اتمی) زندگی می کند. چنین انسانی، صرفاً برای پاسخ گویی به نیازهای شخصی خود به سمت دیگری گرایش می یابد و پس از آن مجدداً به تنهایی خود باز می گردد. این وضعیت منجر به فروپاشی روابط پایدار انسانی شده است (موریش ایور، ۱۳۷۳: ۹۷-۹۸).

در تلقی ادیان ابراهیمی، دین به معنای راه و روش زندگی تلقی می شود؛ اما در نگرش مدرن، خود سبک زندگی جایگزین دین شده است. در جهان بینی اومانیستی غرب، اصالت انسان به عنوان منشأ حقوق، چارچوبی برای زندگی تعیین می کند که در نهایت به پیدایش سبک زندگی به مثابه یک دین می انجامد. در زندگی بورژوازی، تنوع و تکثر سبک های زندگی، به نوعی تکثر در دین انجامیده است. جوانان مسلمان، به ویژه آنانی که در کشورهای غربی زندگی یا تحصیل می کنند، بیش از دیگر اقشار از سبک زندگی متجدد تأثیر پذیرفته اند. این سبک زندگی که در خود فلسفه ای خاص نهفته دارد، در مقایسه با نظام های فلسفی، الهیاتی یا ایدئولوژیک، تأثیرگذاری مستقیم تر و محسوس تر بر نسل جوان مسلمان داشته است. این تأثیر را می توان در بسیاری از مراکز شهری کشورهای اسلامی به وضوح مشاهده کرد (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۵۶؛ نصر، ۱۳۸۲: ۳۳۱).

(د) ارتباط با خانواده در سبک زندگی اسلامی و غربی

در فرهنگ غربی، روابط عاطفی درون خانواده با تضعیف شدیدی مواجه شده است. پیوند قلبی میان والدین و فرزندان غالباً کم رنگ است و زن و مرد در بسیاری از موارد، صرفاً همچون دو شریک تجاری در کنار یکدیگر زندگی می کنند. ساختار خانواده به گونه ای است که فرزندان پس از رسیدن به سن قانونی، از خانه بیرون رانده می شوند و مجبورند به تنهایی زندگی کنند. حتی در صورت باقی ماندن در منزل، ملزم به پرداخت هزینه های روزانه هستند. این وضعیت، به ویژه برای دختران، زمینه ساز بروز انحرافات و آسیب های اجتماعی جدی می شود؛ زیرا به دلیل فقدان حمایت عاطفی و تربیت دلسوزانه، در معرض ارتباط با افراد منحرف و آسیب های اجتماعی قرار می گیرند (بافکار، ۱۳۸۰: ۵۲-۵۴).

از منظر دینی، ارتباط عاطفی در رشد شخصیت و احساس ارزشمندی فرد تأثیر بسزایی دارد. متون دینی به این نوع ارتباط تأکید دارند؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِالشَّابِّ خَيْرًا» (تنکابنی، ۱۳۷۲: ۳۴۹). قرآن کریم نیز ارتباط عاطفی مؤمنان را با تعبیر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) به‌عنوان شاخصه جامعه ایمانی معرفی کرده است. این نگرش، به‌دنبال پیوند زندگی فرد با اجتماع ایمانی و تحکیم بنیان خانواده از رهگذر محبت، ایثار و همدلی است؛ به‌گونه‌ای که افراد جامعه، درد و مشکلات یکدیگر را همچون درد و مشکلات خود تلقی می‌کنند و برای رفع آن تلاش می‌ورزند (اهوازی، ۱۴۰۴ق: ۳۹).

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی زندگی غربی، فقدان معنویت است. در نتیجه‌ی حذف خداوند از عرصه زندگی، محبت و عاطفه نیز رو به افول نهاده است؛ به‌گونه‌ای که آمارها از افزایش آسیب‌های روانی در جوامع غربی حکایت دارد. در این جوامع، زندگی مجردی، دور از خانواده و مسئولیت‌گریز، به‌صورت امری عادی درآمده است و همین امر، زمینه‌ساز تضعیف بنیان‌های عاطفی و اخلاقی شده است.

از سوی دیگر، یکی از خلأهای مهم در فرهنگ غربی، خلأ عشق و احساسات صادقانه است. بسیاری از متفکران غربی اذعان دارند که آزادی بی‌ضابطه زنان و مردان، موجب قربانی شدن عشق و احساسات ژرف انسانی شده است. در چنین فرهنگی، دیگر خبری از عشق‌های عمیق و انسانی نظیر آنچه در داستان‌های شرقی چون لیلی و مجنون یا خسرو و شیرین آمده، نیست. این قصه‌ها بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت‌هایی‌اند که در فرهنگ شرقی، زن با حفظ وقار و پوشش خود، جایگاهی رفیع نزد مرد پیدا می‌کرد (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۳-۷۴).

اسلام، برخلاف تصور رایج، نه زن را از حضور در اجتماع منع کرده و نه تحصیل علم و فعالیت اقتصادی را بر او حرام دانسته است. پوشش اسلامی، به‌جز وجه و کفّین، هیچ مانعی برای حضور فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی زن ایجاد نمی‌کند. آنچه در فرهنگ اسلامی مذموم است، آلوده کردن محیط‌های کاری و اجتماعی به شهوت‌گرایی و لذت‌جویی است؛ امری که نتیجه‌ی مستقیم سرمایه‌داری افراطی غرب و ابزار استثمار فرهنگی آن‌ها به شمار می‌رود (همان: ۹۲-۹۴).

تفاوت بنیادی فرهنگ اسلامی و غربی در تعریف انسان نهفته است. در فرهنگ غربی، انسان موجودی است که معنویت در حاشیه‌ی زندگی مادی‌اش قرار دارد. در مقابل، فرهنگ اسلامی، معنویت را کمال مطلوب انسان می‌داند و بهره‌برداری معتدل از مواهب مادی و جسمی را وسیله‌ای برای رسیدن به این کمال قلمداد می‌کند. معنویت اسلامی، نه رقیب مادیت، بلکه راهنمای آن است. اسلام برای غفلت از جسم و دنیا نیامده، بلکه برای رسیدن به تعادل و جلوگیری از افراط و تفریط آمده است (حداد عادل، ۱۳۵۹: ۳۸-۴۰).

با وجود تلاش‌های مردم دین‌دار برای حفظ سنت‌های اسلامی، سبک زندگی غربی در عمل بر بسیاری از شئون زندگی مسلمانان غلبه یافته است. این سلطه، به دگرگونی مفاهیمی چون هویت، علم، دین و دین‌داری منجر شده، در حالی که فرهنگ غربی خود در وضعیت انحطاط اخلاقی و اجتماعی قرار دارد (رضایی بیرجندی، ۱۳۹۵: ۵۴).
به‌طور کلی، سه نوع سبک زندگی کلان قابل تصور است:

سبک زندگی راهبانه که با ترک دنیا و لذت‌های آن همراه است و می‌توان آن را در غرب پیش رنسانس مشاهده کرد؛ سبک فلسفی کام‌جویانه که هدف زندگی را بهره‌برداری مادی دانسته و به آخرت اعتقادی ندارد؛ سبک زندگی اسلامی که دنیا و آخرت را در پیوندی متقابل می‌بیند و یکی را پلی برای نیل به دیگری می‌داند (شریعتی، ۱۳۹۱: ۱۰).

در چند قرن اخیر، جامعه غربی تحولات اساسی در ساختار خانواده و ارزش‌های اخلاقی تجربه کرده است. سبک زندگی نوین، با بی‌اعتنایی به مرجعیت‌های سنتی و ترویج پوچ‌گرایی، به فروپاشی انسجام فرهنگی و هویتی انجامیده است. مدرنیته، با ارائه الگوهای رفتاری متغیر و گاه متناقض، انسان را در مقام قانون‌گذار معرفی کرده که برای زندگی خود، بدون توجه به سنت‌های تاریخی، چارچوبی جدید می‌سازد (نصر، ۱۳۸۲: ۳۳۱).

سکولاریسم، محصول اندیشه‌ی غرب مدرن است که بر مؤلفه‌هایی چون علم‌گرایی، عقل‌گرایی روشنگری، سنت‌ستیزی و آزادی‌خواهی افراطی استوار است (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۳۷). روند سکولاریزه شدن غرب، با تفسیرهای نوین از دین توسط افرادی همچون لوتر آغاز شد و سپس با نفی نقش دین و گرایش به طبیعت‌گرایی توسط ولتر، هگل و هاکسلی ادامه

یافت؛ تا جایی که شک‌گرایی نسبت به خدا و مفاهیم دینی به جریان غالب در غرب تبدیل شد (همان: ۴۵).

۲. اشتراکات سبک زندگی اسلامی و غربی

سبک زندگی مجموعه‌ای از عناصر و مؤلفه‌هایی است که متن زندگی روزمره را شکل می‌دهند؛ مؤلفه‌هایی همچون خانواده، نوع ازدواج، نوع مسکن، پوشش، الگوی مصرف، تغذیه، تفریحات و... در سبک زندگی اسلامی، «ایمان» و «عمل صالح» دو ملاک اساسی هستند که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را جهت می‌دهند.

الف. بررسی اشتراکات در ارزش‌ها و اصول خانوادگی در اسلام و فرهنگ غربی
موضوع ارزش یکی از مباحث محوری در علوم انسانی و اجتماعی است و از دیدگاه‌های متعددی موردبررسی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، یکی از محققان غربی پس از مطالعه حدود چهار هزار اثر در این حوزه، بیش از ۱۴۰ تعریف متفاوت از «ارزش» ارائه می‌دهد (فتحعلی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۹). استاد مطهری نیز منشأ ارزش را در سودمندی و کمیابی آن برای انسان تعریف می‌کند؛ خواه ارزش مادی باشد یا معنوی. از منظر ایشان، تمایل فطری انسان به امور معنوی نیز موجب ایجاد ارزش در آن حوزه می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۳). بر پایه این نگاه، می‌توان «ارزش خانوادگی» را مجموعه‌ای از افکار، نیت و اعمالی دانست که موجب کمال و ارتقای اعضای خانواده می‌شوند. کراگر (۲۰۱۰) ده ارزش اساسی خانوادگی را شامل تعلق، انعطاف‌پذیری، احترام، امانت، گذشت، سخاوت، کنجکاوی، ارتباط، مسئولیت‌پذیری و حفظ سنت‌ها می‌داند (باقری، ۱۳۸۰: ۷۵). تلقی انسان از این ارزش‌ها نقش مؤثری در شکل‌گیری رفتارها و سبک زندگی دارد.

در منابع اسلامی نیز تلاش شده است تا آگاهی‌های گسترده‌ای درباره ارزش‌های خانوادگی و نحوه تحقق آن‌ها در بستر زندگی روزمره ارائه شود. تأکید اسلام بر آگاهی‌بخشی در مراحل مختلف ازدواج و تشکیل خانواده، نشان از اهمیت این نهاد در تحقق سبک زندگی اسلامی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر لزوم تقویت مؤلفه‌هایی چون ایمان، علم و پرهیز از تقلید صرف در این حوزه تأکید دارند (امینی و حلال‌خور، ۱۳۹۴).

الف) ایمان

ایمان نقش زیربنایی در شکل‌گیری سبک زندگی دارد؛ چرا که هدف انسان از زندگی، نوع سبک زندگی او را تعیین می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای، ایمان را عامل اصلی سلامت روان، رضایت از زندگی و تحکیم روابط اجتماعی می‌داند. در بیانات ایشان آمده است: افراد باایمان، نه تنها خود آرامش دارند، بلکه دیگران نیز از رفتار و تفکر آنان احساس رضایت می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ ۱۳۸۴/۴/۱۸). این ویژگی‌ها، همچون روشندلی، امید، استقامت، دوری از شک و تردید و برخورداری از لذات معنوی، مختص سبک زندگی اسلامی است و در سبک زندگی غربی، باوجود تلاش برای دستیابی به آرامش، کمتر مشاهده می‌شود.

ب) پرهیز از تقلید

یکی از دغدغه‌های کلیدی رهبر انقلاب، مبارزه با تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب است. ایشان تأکید می‌کنند که تقلید از غرب برای کشورهای پیرو، فاجعه‌بار بوده و موجب نابودی فرهنگ‌های بومی و تاریخی آن‌ها شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۸). از نگاه ایشان، تفاوت تعامل فرهنگی با تهاجم فرهنگی در آن است که تعامل با انتخاب آگاهانه همراه است، اما تهاجم با تحمیل پنهان، ذهن و فرهنگ جوامع را هدف قرار می‌دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۲۶). رهایی از تقلید، انسان را به عنصری مؤثر در ساخت تمدن تبدیل می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

ج. تحلیل نگرش به تعاملات خانوادگی در دو فرهنگ

یکی از اهداف بنیادین خانواده، اصلاح فرد و جامعه است. اسلام با تأکید بر نقش پدر و مادر، بر اهمیت تربیت فرزندان به عنوان رکن اصلی جامعه‌سازی تأکید می‌ورزد. در قرآن کریم بیش از ۱۵۰ آیه به موضوع خانواده اختصاص یافته است که نشان از جایگاه رفیع این نهاد در اسلام دارد. در مقابل، تمدن غربی با برنامه‌ریزی دقیق، در پی سست کردن بنیان خانواده و حذف نقش تربیتی آن برآمده است (اسلاملو و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

در اسلام، خانواده نه تنها محیطی برای آسایش و امنیت است، بلکه زمینه‌ساز پرورش استعدادهای فطری انسان نیز به شمار می‌رود. ارزش‌های اخلاقی و معنوی همچون وفاداری،

احترام، مسئولیت‌پذیری و انس خانوادگی از طریق والدین و محیط خانه به نسل آینده منتقل می‌شود (نیکزاد، ۱۳۷۵، ص ۶۵؛ بیگی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵). از این رو، تقویت بنیان خانواده، پیش‌نیاز تحقق جامعه‌ای سالم و معنوی است.

اما متأسفانه در دنیای مدرن غرب، خانواده دچار فروپاشی شده است. گسترش بی‌بندوباری، فروپاشی نهاد خانواده و انحرافات اخلاقی از جمله نتایج این روند هستند که در برخی جوامع اسلامی نیز تأثیر گذاشته‌اند (مرکز جهانی اطلاع‌رسانی آل‌البیت، ۳/۱۴۰۳/۳۰). تحقیقات نیز حاکی از آن است که میان دین‌داری و رضایت خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد؛ هرچه باورهای دینی قوی‌تر باشند، ثبات و آرامش خانوادگی بیشتر است (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۲-۱۹۲).

د. اهمیت ارزش‌های اخلاقی در هر دو سبک زندگی

ارزش‌های اخلاقی مانند خوش‌خلقی، مهرورزی، عفت، وفاداری، تعقل، گذشت، نرم‌خویی و پرهیز از گناه، نقش مهمی در حفظ خانواده و سلامت روانی دارند. در اسلام، این ارزش‌ها ذیل ایمان و عبودیت تعریف می‌شوند و به حیات مادی و معنوی انسان معنا می‌بخشند (شکوهی، ۱۳۸۴: ۱۵).

در مقابل، سبک زندگی غربی اگرچه بر شایستگی‌های فردی و آزادی انسان تأکید دارد، اما این تأکید در قالب جهان‌بینی اومانیستی، از خدامحوری فاصله گرفته و به انسان‌محوری مفرط منتهی شده است (دیویس، ۱۳۷۸: ۳۲). در این چارچوب، دین به تجربه‌ای شخصی و فردی تقلیل یافته و از نظام فقهی و اجتماعی تهی شده است. در نتیجه، ارزش‌های مادی جایگزین ارزش‌های معنوی گردیده‌اند و همین موضوع، زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند جنایت، بزهکاری و فروپاشی روابط انسانی شده است (فرجاد، ۱۳۷۸: ۱۱۰-۱۰۸).

۳. تفاوت‌ها میان سبک زندگی اسلامی و غربی در خصوص خانواده

با وجود برخی اشتراکات در اصول کلی خانواده‌محور، سبک‌های زندگی اسلامی و غربی در مبانی، اهداف و شیوه‌های اجرایی تفاوت‌های بنیادینی دارند. این تفاوت‌ها در حوزه‌هایی چون پوشش، ساختار ازدواج، جایگاه خانواده، نقش زن و آرامش روانی به‌روشنی قابل مشاهده‌اند.

الف. پوشش و حفظ حریم

یکی از تفاوت‌های اساسی، نگاه اسلام به ضرورت پوشش بدن و زیبایی‌های ظاهری زنان در راستای حفظ کرامت انسانی، آرامش روانی و استحکام بنیان خانواده است. این پوشش نه تنها کارکرد فردی در حفظ شخصیت و عفاف دارد، بلکه از نگاه اجتماعی نیز از بروز تحریکات بی‌ضابطه و فروپاشی خانواده جلوگیری می‌کند. در فرهنگ غربی، چنین الزامی وجود ندارد و ترویج بی‌پروایی در پوشش به‌ویژه در عرصه عمومی، یکی از عوامل تزلزل و فروپاشی نهاد خانواده به شمار می‌رود.

ب. تفاوت در نگرش به ازدواج

ازدواج در سبک زندگی اسلامی، پیوندی مقدس با اهدافی چون آرامش، تکامل اخلاقی و تولید نسل صالح است. سه ویژگی مهم در نگرش اسلامی به ازدواج عبارت‌اند از: سن ازدواج: رهبر معظم انقلاب معتقدند که نباید در سن ازدواج افراط و تفریط شود؛ نه چنان زودرس که مشکلات تربیتی به همراه داشته باشد و نه چنان دیر که فرصت‌های رشد معنوی و خانوادگی از بین برود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۷).

سهولت در ازدواج: ازدواج باید فرآیندی آسان، کم‌هزینه و منطبق بر سنت‌های اسلامی باشد. تشریفات زائد، مهریه‌های سنگین و چشم‌وهم‌چشمی‌های افراطی، مانع تحقق ازدواج اسلامی‌اند. ایشان در خطبه‌های متعددی، بر الگوگیری از ازدواج حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام تأکید کرده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۲/۱۷؛ ۱۳۷۵/۹/۱۸).

معنویت در پیوند خانوادگی: در اسلام، عزت و شرافت دختر و پسر به تقوا و پاک‌دامنی آن‌هاست، نه به تجملات و سالن‌های مجلل. این در حالی است که در غرب، ازدواج اغلب بدون معنویت و صمیمیت واقعی انجام می‌شود یا به کلی کنار گذاشته شده است.

ج. جایگاه خانواده در ساختار معرفتی

اسلام نهاد خانواده را پایه‌ای برای جامعه‌سازی می‌داند و علوم انسانی را در سه حوزه روان‌شناسی (اخلاق)، جامعه‌شناسی (سیاست مدن) و تدبیر منزل (خانواده‌شناسی) تقسیم می‌کند. برخلاف تقسیم متداول غربی که خانواده را در دل جامعه حل می‌کند، فلسفه اسلامی جایگاه مستقلی برای «علم تدبیر منزل» قائل است.

احیای علم خانواده شناسی مقدمه‌ای برای ارائه راهکارهای نظام‌مند در تحقق سبک زندگی اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای، نیز فروپاشی نهاد خانواده در غرب را نشانه‌ی تزلزل تمدن غربی دانسته و بر لزوم بازتعریف نقش زن و خانواده تأکید دارند (دیدار شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴؛ دیدار با بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۱/۳).

از منظر اسلام، زن «ریحانه» است نه «قهرمانه» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) و جایگاه او در خانواده به‌مثابه مدیر داخلی و محور محبت و آرامش است. این نگاه در تقابل با تصویر رایج زن در غرب است که عمدتاً به‌عنوان نیروی کار اقتصادی تعریف می‌شود.

د. آرامش روانی و سبک زندگی

در سبک زندگی اسلامی، آرامش روانی حاصل ایمان، توکل و امید به رحمت الهی است؛ اما در سبک زندگی غربی، منزلت انسان با دارایی‌ها و مصرف‌گرایی سنجیده می‌شود. این امر منجر به اضطراب، افسردگی و نگرانی‌های دائمی درباره آینده و از دست دادن داشته‌ها می‌شود. آیات قرآن کریم وعده داده‌اند که مؤمنان باتقوا نه بیمی دارند و نه اندوهی: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲). همچنین، آیت‌الله وحید خراسانی آرامش را ثمره‌ی ایمان و رهایی از دل‌بستگی‌های مادی می‌داند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۲۳).

هـ. انحرافات اخلاقی و بحران جنسی

سبک زندگی غربی با عادی‌سازی گناه، به انحطاط اخلاقی، تضعیف خانواده، گسترش مشروبات الکلی، مواد مخدر و روابط نامشروع دامن زده است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۶۷). شیوع هم‌جنس‌گرایی و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج از دیگر نمودهای این بحران است که پیامدهایی چون گسترش بیماری ایدز را در پی داشته است.

در مقابل، سبک زندگی اسلامی حکمت زوجیت را در چارچوب همسری می‌داند. ارتباط زن و مرد تنها در بستر ازدواج مشروع است و تقوا به‌عنوان اصل راهبردی تعاملات جنسیتی مطرح می‌شود. وظیفه هر فرد در برابر نامحرم، خود مراقبتی و حفظ حریم است.

نتیجه

سبک زندگی اسلامی و غربی در خصوص خانواده، به‌ویژه در مباحثی چون ازدواج، نقش زن، پوشش و آرامش روانی، تفاوت‌های عمیقی دارند. در سبک زندگی اسلامی، ازدواج به‌عنوان

پیوندی مقدس و معنوی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن حفظ کرامت انسان‌ها و استحکام بنیان خانواده است. این در حالی است که در غرب، خانواده اغلب از نظر مادی و فردی در نظر گرفته می‌شود و ازدواج بدون معنویت و با تأکید بر تجملات انجام می‌گیرد. در اسلام، زن جایگاه ویژه‌ای در خانواده دارد و به‌عنوان رکن اصلی برای حفظ آرامش و سعادت خانواده شناخته می‌شود، درحالی‌که در فرهنگ غربی، زن بیشتر به‌عنوان نیروی کار اقتصادی و مصرف‌کننده معرفی می‌شود.

همچنین، در سبک زندگی اسلامی، خانواده به‌عنوان کانون اصلی رشد اجتماعی و فردی در نظر گرفته می‌شود و نهاد خانواده نقشی محوری در سلامت جامعه ایفا می‌کند. برعکس، در غرب، به دلیل مشکلات مختلف اجتماعی مانند بحران‌های اقتصادی و فرهنگی، نهاد خانواده دچار بحران‌های جدی و فروپاشی‌های گسترده‌ای شده است.

آرامش روانی در سبک زندگی اسلامی به دنبال رضایت از خدا و امید به رحمت الهی است، درحالی‌که در غرب، این آرامش از طریق مادیات و مصرف‌گرایی دنبال می‌شود که منجر به اضطراب و بحران‌های روانی می‌شود. در نهایت، سبک زندگی اسلامی با تأکید بر تقوا و همبستگی خانوادگی، هم به سلامت فردی و هم به استحکام جامعه کمک می‌کند، درحالی‌که سبک زندگی غربی اغلب به انحرافات اخلاقی و فروپاشی نهاد خانواده می‌انجامد.

بنابراین، دستیابی به یک سبک زندگی سالم و متعادل که در آن خانواده به‌عنوان مهم‌ترین ارکان اجتماعی شناخته شود، نیازمند بازنگری در مبانی فرهنگی و اخلاقی است. توجه به آموزه‌های اسلام در این زمینه می‌تواند به‌عنوان الگویی مؤثر برای تقویت بنیان خانواده‌ها و مقابله با بحران‌های اجتماعی در جوامع مختلف عمل کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اسلاملو، نعیمه و همکاران، نسل نور، تربیت کودک، چاپ پنجم، کرج، تلاوت آرامش، ۱۳۹۰.
۲. اعزازی، ابوالفضل، تحولات اخلاقی در جوامع غربی و پیامدهای آن، تهران، انتشارات بیدار، ۱۳۸۷.
۳. امینی، نوروز، حلال خور، کوثر، «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۸۴، ۱۳۹۴.
۴. اهوازی، حسین ابن سعید، المؤمن، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۴ق.
۵. بافکار، حسین، کانون مهر (ویژه خانواده)، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۰.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۸۰.
۷. بیگی، روح‌الله، ارزش اجتماعی در قرآن، قم، اسوه، ۱۳۸۹.
۸. بیگی، محمد، نقش خانواده در تربیت فرد و جامعه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، به نشانی: www.khamenei.ir.
۱۰. پایگاه مرکز جهانی اطلاع‌رسانی آل‌البیت، تاریخ: ۱۴۰۳/۱/۳۰، <https://fa.al-shia.org>.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، رهگشای انسانیت نهج الفصاحه، ترجمه احمدیان، ابراهیم، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵.
۱۲. پاینده، محمد، جایگاه زن در خانواده از منظر اسلام، قم، نشر هجرت، ۱۳۸۵.
۱۳. چنی، دیوی، سبک زندگی، ترجمه علی‌رضا چاووشی، تهران، انتشارات نوردی، ۱۳۷۸.
۱۴. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگی برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۵۹ش.
۱۵. حسین‌خانی، علی، اخلاق در زندگی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمین، ۱۳۹۰.
۱۶. حسین‌خانی، هادی، معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن، پایان‌نامه دکترا، رشته علوم تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۰.

۱۷. ۱۷. حیدری، مجتبی، دین‌داری و رضایت‌مندی خانوادگی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۵.
۱۸. حیدری، محمد، دین‌داری و رضایت‌مندی خانوادگی: تحلیل رابطه دین‌داری با خانواده، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۵.
۱۹. خلیفه، عبداللطیف محمد، بررسی روان‌شناختی تحولات ارزش‌ها، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۰. دیویس، تونی، اومانیسیم، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۸.
۲۱. دیویس، جان، آموزه‌های اومانستی و تأثیر آن بر فرد و جامعه، ترجمه، علی‌اکبر مدرسی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
۲۲. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۲۳. رحیمی، مهدی و خیر، محمد، رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه‌ی شهر شیراز، فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، شماره‌های ۲۵-۱۰-۱-۵، ۱۳۸۸.
۲۴. رضایی بیرجندی، علی، سبک زندگی در صحیفه سجادیه، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵ ش.
۲۵. ساروخانی، باقر، مقدمه جامعه‌شناسی خانواده، سروش، ۱۳۹۲.
۲۶. شریعتی، سید صدرالدین، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌شناسی، شماره ۱۳، ص. ۱-۱۰، ۱۳۹۲.
۲۷. شریفی، احمد حسین، خوب چیست؟ بد کدام است؟، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۲۸. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، قم، بوستان کتا، ۱۳۸۴.
۲۹. شکوهی، فاطمه، آفات دین‌داری و تهدیدات فرهنگی جوامع معاصر، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۳۰. شهیری، زکیه، نقش و مسئولیت اشتراکی و اختصاصی پدر و مادر در تربیت فرزندان، خراسان، حوزه علمیه خراسان، ۱۳۹۱.
۳۱. فتحعلی، محمود و جمعی از نویسندگان، درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی (فلسفی، کلامی، سیاسی)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.

۳۲. فرجاد، علی، مادی‌گرایی و بحران‌های اجتماعی در جوامع غربی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۳۳. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات بدر، چاپ هشتم، ۱۳۷۸ ش.
۳۴. فرید تنکابنی، مرتضی، الحدیث، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۳۵. متقی هندی، کنزالعمال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت، بی‌نا، ۱۴۱۹.
۳۶. متقی هندی، علی، الأساس فی فلسفه الأسرة، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۹.
۳۷. مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
۳۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و نهم، ۱۳۷۳ ش.
۳۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.
۴۰. موریش، ایور، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۴۱. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷.
۴۲. نصر، سید حسین، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱.
۴۳. نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.
۴۴. نیکزاد، حسن، خانواده و تأثیر آن در انتقال ارزش‌ها، تهران، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۴۵. وحید خراسانی، حسین، شرح دعای ندبه، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.
۴۶. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، بی‌تا، بی‌جا.
۴۷. ورنون وهال، کالوین، رهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ، ترجمه: احمد به پڑوه و رمضان دولتی، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۶.
۴۸. Kruger Sherri, Top ۱۰ Essential Family Values, www.zenfamilyhabits.net/۲۰۱۰/۰۲/top-۱۰-essential-family-values .